

مشارکت حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه

محمود موسوی شیری

استادیار گروه حسابداری دانشگاه پیام نور مشهد

اسماعیل توکل نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابرسی دانشگاه علامه طباطبائی (مسئول مکاتبات)

tavakolnia@gmail.com

ماهرخ شاکری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۲۱

چکیده

در نخستین مراحل حضور (دهه پنجم سده بیست میلادی)، حسابرسان داخلی بیشتر به عنوان مرورگران اطلاعات مالی و حسابداری قلمداد می شده اند. اندک اندک حسابرسان داخلی بر حسابرسی رعایت تمرکز نمودند و پس از آن، به ارزیابی اثربخشی سیستم کنترل داخلی و بررسی فرآیندهای عملیاتی اقدام نمودند و سرانجام امروزه، دامنه حسابرسی داخلی نه تنها حسابرسی رعایت، ارزیابی کنترل های داخلی، رسیدگی به تقلب و بررسی فرآیندهای عملیاتی را دربر می گیرد، بلکه شامل مشورت دهی به مدیریت ارشد و مشارکت در مدیریت ریسک نیز می شود. هدف اصلی این مطالعه، بررسی نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه نهایی شامل ۴۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. همچنین، به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. نتایج پژوهش نشانگر این است که حسابرسان داخلی مشارکت پایینی در مدیریت ریسک بنگاه داشته، اما آنان همچنین به فعالیت هایی می پردازند که می تواند بی طرفی آنان را به خطر اندازد.

واژه های کلیدی: حسابرسی داخلی، مدیریت ریسک بنگاه، بورس اوراق بهادار تهران.

۱- مقدمه

و اثربخشی سیستم های حسابداری و کنترل داخلی، از جمله وظایف اصلی واحد حسابرسی داخلی است (استانداردهای حسابرسی، بخش ۶۱۰، بند ۵). حسابرسی داخلی، فعالیتی مستقل و مشاوره ای با اهداف مشخص است که برای ایجاد ارزش و بهبود عملکرد، طراحی شده است. حسابرسی داخلی به شرکت کمک می کند تا با رویکردی ساختارمند به اهداف خود برسد که در نتیجه اثربخشی مدیریت ریسک، کنترل ها و فعالیت های حاکمیتی را ارزیابی می کند و بهبود می بخشد (انجمن حسابرسان داخلی،^۴ ۲۰۰۰).

حسابرسان داخلی باید برای جلوگیری و کشف بی نظمی های کنترل داخلی، درک دقیقی از عملیات، فرآیندها و رویه های شرکت داشته باشند و به منظور تعیین اینکه آیا فرآیندها و روشها همانطوری کار می کنند که مدنظر بوده است، باید قادر به طراحی و اجرای آزمون ها باشند (کلارک^۵ و همکاران، ۱۹۸۰). ارائه اطلاعات مربوط به کفایت و کارایی نظام کنترل های داخلی و کیفیت عملکرد واحد تجاری به رئیس هیئت مدیره و مدیران اجرائی واحد تجاری، از مسئولیت های حسابرسان داخلی است. شرکت هایی که بهترین دستورالعمل حسابرسی داخلی را دارند- آنهایی که رویه های پیشرو را به کار می گیرند و با انتظارات و اهداف راهبردی مقرر توسط مدیریت و هیئت مدیره همگامند- عموماً کنترل های بهتری خواهند داشت (هیرث^۶، ۲۰۰۸). استانداردهای حسابرسی مستقل در طی مدت ها نقش حسابرسی داخلی را به عنوان منبع ارزشمند بالقوه در فرآیند گزارشگری مالی تأیید کرده اند (انجمن حسابداران رسمی امریکا^۷، ۱۹۹۱ و هیئت نظارت بر حسابداری شرکت های سهامی عام^۸، ۲۰۰۷).

در سال ۱۹۹۹، انجمن حسابرسان داخلی تعریفی از حسابرسی داخلی ارائه نمود که شامل اطمینان دهی و مشاوره در سه زمینه مدیریت ریسک، کنترل و راهبری بود (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۹). پنج سال بعد، کوزو چارچوبی یکپارچه برای مدیریت ریسک بنگاه ارائه کرد (کوزو^۹، ۲۰۰۴). از آن پس، حرکتی جهانی به سوی رویکردهای گسترده مدیریت ریسک ایجاد شد و حسابرسان داخلی با توجه به مدیریت ریسک در سازمان

پیچیدگی سازمانی و گسترش معاملات تجاری در اغلب کشورها موجب شده است که مدیران بنگاه های انتفاعی و غیرانتفاعی با توجه به مسئولیت خود در راستای دستیابی به هدف های سازمانی و به منظور اطمینان یافتن از هدایت بهینه کلیه منابع، واحدی به نام حسابرسی داخلی تشکیل دهند (توکل نیا و رحیمیان، ۱۳۹۱). حسابرسی داخلی، از زمان حضور نخستین خود تا کنون، تغییرات عمده ای را پشت سر گذاشته است. در آغاز، حسابرسی داخلی را بخشی از سیستم کنترل داخلی تعریف می نمودند که به حسابداری و امور مالی مربوط می باشد (برینک و کاشین^۱، ۱۹۵۸). در نخستین مراحل حضور (دهه پنجم سده بیست میلادی)، حسابرسان داخلی بیشتر به عنوان مرورگران اطلاعات مالی و حسابداری قلمداد می شده اند. حسابرسان داخلی به عنوان یاری رسانندگان به حسابرسان مستقل به کار می رفتند و برای امور صورت های مالی و سایر وظایف مالی فراخوانده می شدند. آنان نقشی حداقلی در سازمان ها داشته و تنها مسئولیتی محدود در کل طیف مدیریتی ایفا می نمودند (مولر و ویت^۲، ۱۹۹۹). اندک اندک حسابرسان داخلی بر حسابرسی رعایت تمرکز نمودند و پس از آن، به ارزیابی اثربخشی سیستم کنترل داخلی و بررسی فرآیندهای عملیاتی اقدام نمودند و سرانجام امروزه، دامنه حسابرسی داخلی نه تنها حسابرسی رعایت، ارزیابی کنترل های داخلی، رسیدگی به تقلب و بررسی فرآیندهای عملیاتی را دربر می گیرد، بلکه شامل مشورت دهی به مدیریت ارشد و مشارکت در مدیریت ریسک نیز می شود (استاکیوکاس و روپسیس^۳، ۲۰۰۵). بنابراین هدف این پژوهش، بررسی مشارکت حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه است که شواهد لازم جهت پاسخ به سوالات پژوهش فراهم آید.

۲- مبانی نظری پژوهش و مروری بر پیشینه

حسابرسی داخلی یعنی وظیفه ارزیابی که در داخل واحد مورد رسیدگی و توسط کارکنان آن، به منظور ارائه خدمت به آن واحد به وجود می آید و از ارکان اصلی محیط کنترلی محسوب می شود. ارزیابی و بررسی کفایت

ساختارمند، پایدار و مداوم در کل سازمان می باشد، به منظور شناسایی، ارزیابی، تصمیم گیری راجع به واکنش به فرصت ها و تهدیدهایی که بر دست یابی به اهداف سازمان، اثر می گذارند و گزارشگری راجع به آنها (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۴a). هدف اصلی مدیریت ریسک، بیشینه سازی ارزش سهامداران است (کوزو، ۲۰۰۴؛ لاجیلی و زقال^{۱۵}، ۲۰۰۵؛ بیزلی^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۸؛ پاگچ و وار^{۱۷}، ۲۰۱۱؛ هویت و لینبرگ^{۱۸}، ۲۰۱۱). حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک، مرتبط و مستقل می باشند (کوئن^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۲) و پایداری و بهبود عملکرد شرکت، به میزان زیادی وابسته به نقش موثر هر دو جزء است (سابل و ردینگ^{۲۰}، ۲۰۰۴؛ ماناب^{۲۱} و همکاران، ۲۰۱۰). کوزو (۲۰۰۴) مدیریت ریسک بنگاه را اینگونه تعریف نموده است:

"فرآیندی است تحت تأثیر هیئت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان بنگاه که در تنظیم استراتژی، شناسایی رویدادهای بالقوه ای که ممکن است بر بنگاه تأثیر گذارد و مدیریت ریسک ها برای تنظیم آنها در سطح ریسک قابل پذیرش به کار می رود تا راجع به دستیابی به اهداف بنگاه، اطمینانی معقول فراهم گردد."

لازم به ذکر است که چارچوب یکپارچه مدیریت ریسک بنگاه کوزو شامل محیط داخلی، تنظیم اهداف، شناسایی رویداد، ارزیابی ریسک، واکنش به ریسک، فعالیت های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت می شود. از آنجا که در ادامه، به درکی نسبی از مفاهیم این اجزا نیازمندیم، تعریف مختصری از آنها ارائه می شود:

(۱) محیط داخلی: این جزء انعکاس دهنده فلسفه، ریسک پذیری، نظارت هیئت مدیره، تعهد به ارزش های اخلاقی، صلاحیت و توسعه افراد و تفویض اختیارات و مسئولیت های مدیریت ریسک بنگاه واحد اقتصادی می باشد. این جزء دربرگیرنده کلیت (از بالا تا پایین) واحد اقتصادی است و بر فرآیند راهبری سازمان و آگاهی افراد آن از کنترل و ریسک تأثیر می گذارد.

(۲) تنظیم اهداف: اهداف راهبردی توسط مدیریت تنظیم می شوند، اهدافی که فراهم کننده زمینه و چارچوب برای اهداف عملیاتی، گزارشگری و

خود، نقشی کلیدی در ارائه خدمات اطمینان دهی و مشاوره ایفا می کنند (سارنز و دبیلد^۱، ۲۰۰۶).

از طرف دیگر، ریسک را می توان به عنوان انواع رویدادها یا شرایطی که ممکن است سازمان را از رسیدن به اهدافش بازدارد، تعریف کرد (روی^{۱۱}، ۲۰۰۸). سازمان استانداردهای بین المللی، ریسک را به عنوان ترکیبی از احتمال یک رویداد و اثرات آن تعریف می کند. بنابراین، تعیین تمام ریسک های احتمالی در یک فرآیند و احتمال وقوع آنها، بخش اصلی ارزیابی ریسک یک سازمان است. بر این اساس، مدیریت ریسک بنگاه را می توان به عنوان فرآیندی پیوسته و سازمان یافته در کل سازمان برای تعیین، ارزیابی، تصمیم گیری در زمینه پاسخ و گزارشگری درباره فرصت ها و خطراتی تعریف کرد که دستیابی به اهداف را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین، از نظر تکنیکی ریسک ها می توانند هم فرصت باشند و هم خطر (جهانبانی و باقرپور، ۱۳۸۹).

ریسک های تجاری را به راه های گوناگونی می توان طبقه بندی نمود، اما یکی از بهترین طبقه بندی ها به شرح زیر می باشد (کینی^{۱۲}، ۲۰۰۳):

- ریسک های محیط بیرونی؛
- ریسک های فرآیندهای تجاری و از دست دادن دارایی ها؛ و
- ریسک های اطلاعاتی.

طی چند دهه گذشته، تغییرات چشمگیری در نقش مدیریت ریسک در شرکت ها رخ داده است. تا دهه ۱۹۸۰، کار مدیریت ریسک شرکت - عموماً موقعیتی پایین در خزانه داری شرکت - عمدتاً شامل تهیه بیمه می شده است. طی دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، مدیریت ریسک شرکت گسترش یافته و شامل انواع متفاوتی از ریسک می شود، از جمله ریسک عملیاتی، ریسک اعتباری و به تازگی، ریسک راهبردی. در تعداد زیاد و رو به رشدی از شرکت ها، وظیفه مدیریت ریسک توسط مدیر ارشد اجرایی تحت عنوان مأمور ارشد ریسک^{۱۳} هدایت می شود و مسئولیت آن بر عهده اعضای هیئت مدیره است که از طریق نظارت بر معیارهای ریسک و تعیین محدودیت هایی بر این معیارها، اعمال می شود (نوکو و استولز^{۱۴}، ۲۰۰۶). مدیریت ریسک بنگاه، فرآیندی

عرضی و از پایین به بالای سازمان جریان می یابد. گزارشگری برای مدیریت ریسک امری حیاتی است.

(۸) نظارت: فعالیت های مداوم و یا ارزیابی های جداگانه، حضور و کارکرد اجزای مدیریت ریسک بنگاه و کیفیت عملکرد آنها طی زمان را ارزیابی می نمایند.

به طور کلی و در مفهومی فراگیر، مدیریت، پاسخگوی مدیریت ریسک بنگاه خواهد بود. با توجه به این موضوع، مدیریت برای ارزیابی پروژه ها، نظارت بر خدمات و پیشنهاد برای بهبود آن ها، به کمک نیاز دارد. وظیفه حسابرسی داخلی می تواند مدیر را در این راه یاری رساند و این نیاز وی را برآورده نماید (استاکیوکاس و روپسیس، ۲۰۰۵). مدیریت ریسک بنگاه، به آن شکلی که باید، در ایران گسترش نیافته است و متعاقباً می توان انتظار داشت که حسابرسان داخلی که مشغول به کار هستند، وظایف خود را بی نقص انجام ندهند. به همین ترتیب، هدف اصلی این پژوهش، ضمن بیان نقش مهم حسابرسان داخلی در فرآیند مدیریت ریسک بنگاه، ارزیابی میزان درگیری حسابرسان داخلی ایرانی در مدیریت ریسک بنگاه و علی الخصوص، بررسی میزان آگاهی آنان از وظایفی که برعهده دارند، می باشد. همچنین دیگر هدف این پژوهش، افزایش توجه عمومی به موضوع مشارکت حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه و افزایش پژوهش های علمی داخلی، در این زمینه می باشد. بنابراین مدیریت ریسک بنگاه، رویکرد پویای ارزیابی ریسک یکپارچه است که سازمانها به منظور کاهش سطح ریسک خود، از آن استفاده می کنند (بوسمن و زویدن^{۲۲}، ۱۹۹۸). پس از آنکه مدیریت ریسک بنگاه ایجاد شود، به شرکت اجازه می دهد که به طور مستمر ریسک ها را ارزیابی نماید و منابع و مراحل مورد نیاز برای غلبه یا تسکین ریسک ها را شناسایی کند (فونستان^{۲۳}، ۲۰۰۳). بسیاری از شرکت ها نیاز به پیاده سازی فرآیند مدیریت ریسک بنگاه و معرفی فرهنگ مدیریت ریسک نیرومند برای بهبود اثربخشی مدیریت ریسک را درک کرده اند (کاستانیرا^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۹).

رعایت هستند. این اهداف، متناسب با ریسک پذیری واحد اقتصادی می باشند که سطح خطر قابل پذیرش واحد اقتصادی را تعیین نموده و پیش شرطی برای شناسایی رویداد، ارزیابی ریسک و واکنش به ریسک هستند.

(۳) شناسایی رویداد: مدیریت، رویدادهای بالقوه ای که ممکن است به صورت مثبت یا منفی بر توانایی واحد اقتصادی در پیاده سازی استراتژی خود و دستیابی آن به اهداف و مقاصد عملکردی خود، اثر گذارند را شناسایی می نماید. رویدادهای منفی بالقوه، نشانگر ریسک هایی هستند که فراهم کننده زمینه ای برای ارزیابی ریسک و واکنش های متفاوت به ریسک می باشند. رویدادهای مثبت بالقوه نیز، نشانگر فرصت ها می باشند.

(۴) ارزیابی ریسک: مدیریت، روش های کمی و کیفی برای ارزیابی احتمال و تأثیر رویدادهای بالقوه، به صورت انفرادی یا گروهی را در نظر می گیرد که ممکن است بر دستیابی به اهداف طی افق زمانی معین تأثیر گذارند.

(۵) واکنش به ریسک: مدیریت، گزینه های متفاوت واکنش به ریسک و تأثیر آنها بر احتمال و آثار ریسک و نیز مزایا در قیاس با هزینه های حاصل، به همراه کاهش ریسک باقی مانده به سطح ریسک قابل پذیرش را در نظر می گیرد. برنامه ریزی واکنش به ریسک منتج به ایجاد خط مشی می گردد.

(۶) فعالیت های کنترلی: مدیریت، خط مشی ها و رویه ها را در سرتاسر سازمان، در کلیه سطوح و در تمام وظایف پیاده می کند، به منظور کمک به کسب اطمینان از اینکه واکنش ها به ریسک به درستی اجرا شده اند.

(۷) اطلاعات و ارتباطات: سازمان، اطلاعات مربوط را از منابع داخلی و خارجی در یک قالب و بازه زمانی که کارمندان را قادر به تقبل مسئولیت هایشان می کند، شناسایی، جمع آوری و منتقل می کند. ارتباطات موثر از بالا به پایین، به صورت

منظور رسیدگی به آن ریسک‌ها، به سازمان کمک کنند. انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۰۹) اینچنین استدلال می‌کند که فعالیت حسابرسی داخلی شرایط خوبی را برای ترویج پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه دارد، به ویژه در مراحل نخستین معرفی آن.

در نتیجه، نقش حسابرسان داخلی در حال توسعه و گسترش است. نقشی فعال و در حال تکامل برای حسابرسان داخلی در کمک به سازمان‌ها به منظور پیاده‌سازی مقدماتی مدیریت ریسک بنگاه، وجود دارد. در استرالیا، شرکت‌هایی همچون سودکروپ^{۳۰} و کانتاس^{۳۱}، حسابرسان داخلی را به ارزیابی اینکه آیا چارچوب‌های مدیریت ریسک به طور موثر کار می‌کنند یا خیر، تشویق کرده‌اند (بو-راد^{۳۲}، ۲۰۰۰). علاقه رو به گسترش به مدیریت ریسک بنگاه در نظرسنجی که توسط مرکلی و میکالیس^{۳۳} (۲۰۰۲) انجام شد، آشکار گشت. ۱۳۰ مخاطب آنان، از طیف گسترده‌ای از صنایع کانادا، نشان دادند که مدیریت ریسک بنگاه، معمولاً توسط کارمندان دایره حسابرسی هدایت می‌شود؛ ۴۹ درصد از مخاطبان، مدیریت ریسک بنگاه را اجرا می‌نمودند (یا در حال اجرای آن بودند)؛ ۸۹ درصد، حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک را در هر کار حسابرسی به کار می‌گرفتند و ۳۲ درصد، حسابرسی داخلی را در مدیریت ریسک بنگاه درگیر کرده بودند. در همه پنج سازمان بزرگی که برنامه‌های مدیریت ریسک بنگاه را با موفقیت اجرا می‌نمودند (فیرست انرژی^{۳۴}، جنرال موتورز^{۳۵}، وال مارت^{۳۶}، یونوکال^{۳۷} و کانادا پست^{۳۸})، حسابرسان داخلی نقشی متنوع و سودمند داشته‌اند (والکر^{۳۹} و همکاران، ۲۰۰۳). در مطالعه‌ای که بین ۱۱ شرکت بزرگ امریکای شمالی انجام شد، نتیجه این بود که اکثر مدیران حسابرسی داخلی برای شناسایی نواحی بالقوه مشکل، از مدل‌های پیچیده ریسک استفاده می‌کنند (ناگی و کنکر^{۴۰}، ۲۰۰۲).

انجمن حسابرسان داخلی در سال ۲۰۰۵، پژوهش گسترده جهانی را درباره درگیری حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه، به صورت اینترنتی انجام داد (گراملینگ و مایرز^{۴۱}، ۲۰۰۶). نتایج این پژوهش نشان داد که در ۳۶ درصد از واحدهای مورد بررسی، حسابرسان داخلی مسئول اصلی مدیریت ریسک بنگاه بوده‌اند.

در مطالعه‌ای که موسسه ارنست و یانگ در سال ۲۰۰۱ انجام داد و توسط ورشور^{۲۵} (۲۰۰۲) منتشر گشت، نتیجه این بود که تنها ۱۶ درصد از ۵۰ سازمان تحت بررسی، فرآیند مدیریت ریسک فراگیر دارند. در نظر سنجی که بنهام^{۲۶} (۲۰۰۴) از ۲۰۰ رئیس اجرایی به عمل آورد، اظهار نمود که ۴۱ درصد به نوعی مدیریت ریسک بنگاه را اجرا می‌کردند و ۸۴ درصد معتقد بودند که مدیریت ریسک بنگاه می‌تواند به کاهش هزینه سرمایه شرکت یاری رساند. بیزلی^{۲۷} و همکاران (۲۰۰۵) یافتند که پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه به طور مثبت با این موارد در ارتباط است: حضور مدیر ارشد ریسک، استقلال هیئت مدیره، حمایت آشکار مدیر ارشد مالی و مدیر ارشد اجرایی از مدیریت ریسک بنگاه، حضور حسابرس از چهار موسسه حسابرسی بزرگ، اندازه واحد اقتصادی و عضویت واحد اقتصادی در صنایع بانکی، آموزشی یا بیمه. فونت و وگا^{۲۸} (۲۰۰۳) اینچنین استدلال نمودند که مدیریت ریسک در شرکت‌های غیرمالی در غیاب تکنیک‌هایی مشخص شده است که امکان مدیریت ریسک‌های ذاتی را می‌دهند.

در مقابل، طی سال‌های اخیر، مدیریت ریسک در شرکت‌های مالی به شدت توسعه یافته است، عمدتاً به دلیل اینکه مقررات موجود، بانک‌ها را به تقویت سیستم‌های مدیریت ریسک و کنترل، تشویق می‌نمایند (آلزولا^{۲۹}، ۲۰۰۳).

استانداردها و توصیه‌های عملی ارائه شده توسط انجمن حسابرسان داخلی، مشارکت حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه را تشویق نموده‌اند، برای مثال: توصیه عملی ۳-۲۱۰۰: نقش حسابرسی داخلی در فرآیند مدیریت ریسک و توصیه عملی ۴-۲۱۰۰: نقش حسابرسی داخلی در سازمان‌های فاقد فرآیند مدیریت ریسک.

انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۰۱) همچنین برای حسابرسان داخلی به منظور تعیین نقش خود در واحدهایی که فرآیند مدیریت ریسک مقرر ندارند، رهنمودهای ارائه نموده است. توصیه عملی خاطر نشان می‌کند که گرچه مدیریت ریسک، مسئولیت کلیدی مدیریت است، حسابرسان داخلی می‌توانند در شناسایی، ارزیابی و پیاده‌سازی مدیریت ریسک و کنترل‌ها، به

ارزیابی مدیریت ریسک، هم برای کل سازمان و هم برای یک بخش، شرکت فرعی یا یک واحد، استفاده نماید.

علاوه بر موارد فوق، حسابرسی داخلی می تواند موارد زیر را ارزیابی نماید:

- اثربخشی اجزای محیط داخلی، طبق تعریف چارچوب مدیریت ریسک بنگاه کوزو؛
- اثربخشی فرآیند ارزیابی ریسک، با در نظر گرفتن اجزای تنظیم هدف، شناسایی رویداد، ارزیابی ریسک و واکنش به ریسک چارچوب مدیریت ریسک بنگاه کوزو؛
- اثربخشی سیاست ها و رویه های کنترلی راجع به واکنش های ویژه به ریسک، همانطوری که توسط اجزای فعالیت های کنترلی تشریح شده است؛
- کیفیت و قابلیت اتکای اطلاعات و ارتباطات پشتیبان واکنش های به ریسک منتخب سازمان؛
- و
- اثربخشی نظارت، همانطوری که در بخش نظارت تعریف شده است.

لازم به ذکر است که تمامی نقش های اشاره شده در بالا، در انطباق با فعالیت های اطمینان دهی و مشاوره ای پیش بینی شده توسط انجمن حسابرسان داخلی می باشند.

سارنز و دبیلد (۲۰۰۶) در مقایسه عملیات حسابرسی داخلی بلژیک و ایالات متحده یافتند که نقش حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک، خاص زمان بوده و به سرعت در حال تغییر است. حسابرسان داخلی بلژیک در شناسایی سطوح بالاتر ریسک پیشتاز بوده اند و سیستم های مدیریت ریسک رسمی تری ایجاد نموده اند. در ایالات متحده، نظرات حسابرسان داخلی داده هایی ارزشمند برای بازبینی کنترل داخلی و افشای الزامات قانون ۲۰۰۲ ساریینز-اکسلی^{۴۶}، فراهم می نماید.

کاستانیرا و همکاران (۲۰۰۹) پژوهشی را با هدف شناسایی عوامل مرتبط با به کارگیری حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک و کشف نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه، انجام دادند. آنان به این نتیجه رسیدند که در برنامه سالانه حسابرسی ها، به کارگیری

همچنین در مواردی حسابرسان داخلی درگیر در فعالیت هایی بوده اند که انجمن حسابرسان آن ها را نادرست می داند و توصیه نموده است (راجع به بایدها و نبایدهای فعالیت ها، در قسمت فرضیه های پژوهش توضیح بیشتری داده می شود).

موسسه پروتیویتی^{۴۴} (۲۰۰۶) با استفاده از چارچوب منتشر شده توسط کوزو و رهنمودهای انجمن حسابرسان داخلی، نقش هایی را که حسابرس داخلی می تواند در مدیریت ریسک بنگاه ایفا نماید، به صورت زیر دسته بندی نموده است:

- آموزش دهند: اکثر مدیران اجرایی ارشد، شناختی از مدیریت ریسک بنگاه ندارند. رئیس حسابرسی داخلی می تواند در آشنایی و استفاده از چارچوب مدیریت ریسک بنگاه کوزو، از طریق آموزش دوره ای طی زمان، به آنان کمک نماید.
- تسهیل گز: مدیریت ریسک بنگاه نیازمند ارزیابی با کیفیت ریسک می باشد. حسابرسی داخلی می تواند از طریق تسهیل ارزیابی های ریسک و قاعده مند ساختن واکنش به ریسک، نقشی رهبرگونه در سازمان ایفا نماید. همچنین، حسابرسی داخلی می تواند برای یاری رساندن به سازمان در ترجمه ارزیابی های ریسک به واکنش به ریسک، نقشی مشاوره ای بازی کند.
- هماهنگ کننده: به تناسب میزانی که مدیریت ریسک بنگاه سازمان، از زبانی مشترک و سایر "چارچوب های فعال سازی" استفاده می کند، حسابرسی داخلی می تواند به منظور کسب اطمینان از استقرار یکپارچه در سرتاسر بنگاه، نقش هماهنگ کننده ارزش افزا را ایفا نماید.
- ایجاد کننده ائتلاف یا انضمام: حسابرسی داخلی می تواند به وسیله (آ) جمع آوری، پردازش و ترکیب داده های مربوط به ریسک که از منابع متعدد موجود در سراسر بنگاه گردآوری می شود و (ب) گزارشگری مواجهات و نتایج حسابرسی بر اساس کل بنگاه، کمک نماید.
- ارزیاب: حسابرسی داخلی می تواند هشت بخش چارچوب مدیریت ریسک بنگاه کوزو را به منظور

نیکخواه آزاد و قناد (۱۳۷۷) به بررسی عوامل عدم توسعه و روش های ارتقای حسابرسی داخلی در ایران پرداختند. جمع بندی نتایج این پژوهش در خصوص عوامل عدم توسعه حرفه حسابرسی داخلی در ایران منتج به شناسایی این عوامل، به عنوان مهمترین عوامل شد (ترتیب بر اساس اولویت): ۱. عدم شناخت کافی مدیران از نقش و اهمیت حسابرسی داخلی؛ ۲. کمبود نیروی انسانی متخصص؛ ۳. فقدان استانداردهای حرفه ای حسابرسی داخلی؛ ۴. عدم وجود پشتوانه اجرایی برای پیشگیری گزارش های حسابرسان داخلی؛ ۵. عدم استقلال حسابرسان داخلی؛ ۶. جایگاه سازمانی نامناسب واحد حسابرسی داخلی؛ ۷. ضعف مدیران واحد حسابرسی داخلی؛ ۸. عدم وجود تحقیقات در زمینه حسابرسی داخلی؛ ۹. فقدان الزام قانونی جهت ایجاد واحد حسابرسی داخلی؛ و ۱۰. فقدان انجمن حرفه ای حسابرسی داخلی. با توجه به وضعیت فعلی، می توان ادعا نمود که اکثر موارد فوق، هنوز هم از عوامل عدم توسعه حسابرسی داخلی در ایران به شمار می روند.

منافی (۱۳۸۰) در پژوهش خود، بیشتر به میزان شناخت و آگاهی افراد درون سازمان ها و افراد بیرون سازمان ها (حسابرسان مستقل) توجه نمود و به بررسی اختلاف دیدگاه های گروه های مختلف مرتبط با این حرفه پرداخت، تا اینکه نخست، سطح شناخت افراد از وظایف و اهداف این حرفه مشخص شود، دوم، ابعاد اختلاف در دیدگاه ها که گاهی منجر به عدم توسعه حرفه در ایران خواهد شد نیز مشخص گردد. از جمله نتایج این پژوهش این بود که پرسش شوندگان بر وجود بیست و پنج حوزه مسئولیت تأکید بیشتری داشته اند، شکاف هایی بالقوه در انتظارات گروه های مختلف وجود دارد و در حدود یک سوم موارد، پرسش شوندگان اذعان داشته اند که واحد مذکور از جایگاه مناسبی برخوردار نیست.

حساس یگانه و علوی طبری (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افزایش منابع صرف شده برای بخش حسابرسی داخلی بنگاه موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی مستقل می شود و این کاهش در بنگاه های اقتصادی که حسابرسان داخلی به سطوحی بالاتر از معاون مالی و اداری گزارش می کنند، بیشتر است، ضمن اینکه

رویکرد مبتنی بر ریسک در شرکت های بین المللی و شرکت های عضو بورس اوراق بهادار پرتغال از لحاظ آماری قابل ملاحظه است. آنان همچنین به این نتیجه رسیدند که ارتباطی قوی (اما نه چندان عمده) بین برنامه ریزی سالانه حسابرسی مبتنی بر ریسک و واحدهای خصوصی، صنعت مالی و بزرگ وجود دارد و در برنامه ریزی هر کار حسابرسی، به کارگیری رویکرد مبتنی بر ریسک به طور مثبت با اندازه واحد، مرتبط است. آنان اظهار داشتند که حسابرسی داخلی به منظور پیاده سازی مدیریت ریسک بنگاه در سازمانهای کوچکتر، فعال تر است و در بخش های مالی و خصوصی، مهمتر است.

زوان^{۴۳} و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی که در استرالیا انجام دادند، ضمن بررسی تأثیر مشارکت حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه بر اشتیاق آنان برای گزارشگری وقوع شکست در رویه های مدیریت ریسک، بررسی نمودند که آیا ارتباط مستحکم حسابرسی داخلی با کمیته حسابرسی، بر این اشتیاق اثر می گذارد یا خیر. همچنین استفاده از مدیریت ریسک بنگاه و نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشانگر این بود که مشارکت بالای حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه، بر اشتیاق آنان برای گزارشگری وقوع شکست در رویه مدیریت ریسک به کمیته حسابرسی موثر است. همچنین اینطور استنباط شد که ارتباط قوی بین حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی اشتیاق آنان به گزارشگری را افزایش نمی دهد. از دیگر یافته های این پژوهش، به کارگیری مدیریت ریسک بنگاه توسط تعداد رو به رشدی از شرکت می باشد. آنان در انتها نیز از مشارکت حسابرسان داخلی در نقش های اطمینان دهی مدیریت ریسک بنگاه خبر دادند، گرچه برخی از حسابرسان داخلی در فعالیت هایی مشغول بوده اند که می تواند بی طرفی آنان را خدشه دار کند.

پژوهش های اندکی را در ایران می توان یافت که به طور پژوهشی به موضوع حسابرسی داخلی پرداخته باشند. به منظور آشنایی بیشتر با سطح حسابرسی داخلی در کشور، چند مورد از پژوهش های مهم انجام شده در کشور، مرور می شوند.

۱. نقش های هسته ای یا توصیه شده حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه؛
۲. نقش هایی که در قبال نگهداری ها و محافظت ها مشروع تلقی می شوند؛ و
۳. نقش هایی که نباید تقبل شوند.

به بیان انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۰۴b)، نقش هسته ای حسابرسی داخلی راجع به مدیریت ریسک بنگاه عبارتست از ارائه اطمینانی معقول به مدیریت، درباره اثربخشی مدیریت ریسک. نتایج تحقیقات این انجمن نشاندهنده اتفاق نظر اعضای هیئت مدیره و حسابرسان داخلی بر سر این موضوع است که دو مورد از مهمترین راه هایی که حسابرسی داخلی می تواند برای سازمان خلق ارزش نماید، عبارتست از ارائه اطمینانی معقول راجع به اینکه ریسک های تجاری عمده به گونه ای مناسب مدیریت شده اند و ارائه اطمینانی معقول راجع به اینکه چارچوب کنترل داخلی و حسابرسی داخلی از لحاظ عملی، اثربخش می باشند. فاکتور کلیدی برای تعیین نقش حسابرسی داخلی این است که آیا موجب افزایش هرگونه تهدیدی برای استقلال و بیطرفی وظیفه حسابرسی داخلی می گردد و اینکه آیا موجب بهبود فرآیندهای مدیریت ریسک، کنترل و راهبری سازمان می گردد یا خیر. مطابق نگاره ارائه شده توسط انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۰۴b)، نقش های مشخص و ویژه در سه گروه، در جدول شماره یک ارائه شده است. فعالیت های گروه نخست، تماماً فعالیت های اطمینان دهی می باشند. آنان تشکیل دهنده بخشی از هدف گسترده تر اطمینان دهی راجع به مدیریت ریسک می باشند. یک وظیفه حسابرسی داخلی که با استانداردهای بین المللی عملکرد حرفه ای حسابرسی داخلی در انطباق باشد، باید حداقل برخی از این فعالیت ها را انجام دهد. همچنین حسابرسی داخلی می تواند خدمات مشاوره ای که فرآیندهای راهبری، مدیریت ریسک و کنترل را بهبود می بخشند، ارائه نماید. وسعت مشورت دهی حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه به منابع داخلی و خارجی در دسترس هیئت مدیره و بلوغ ریسک سازمان بستگی دارد و احتمالاً در طول زمان متفاوت خواهد بود.

پاسخ به مفید بودن گزارش حسابرسی داخلی برای حسابرسان مستقل در شرکت هایی که حسابرسان داخلی به هیئت مدیره و مدیر عامل گزارش می دهد، همانند شرکت هایی است که به معاون مالی و اداری و یا پایین تر از آن گزارش می نماید.

مدرس و بیداری (۱۳۹۰) به بررسی نقش ارزش افزوده حسابرسی داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنان در نهایت، از عدم ارزش افزایی حسابرسی داخلی خبر دادند.

پورحیدری و رضایی (۱۳۹۱) به بررسی عوامل موثر بر ارزش افزوده حسابرسی داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش، هشت عامل تأثیرگذار بر ایجاد ارزش افزوده حسابرسی داخلی مورد بررسی قرار گرفت. یافته های این پژوهش نشان داد که جایگاه سازمانی، آموزش، محیط کار، ارزیابی ریسک، تنوع خدمات، ارزیابی عملکرد، تبلیغات و استفاده از روش های نوین بر اثربخشی حسابرسی داخلی تأثیر دارند و منجر به ایجاد ارزش افزوده حسابرسی داخلی می شوند. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین دیدگاه مدیران و دیدگاه حسابرسان داخلی در رابطه با عوامل موثر بر ارزش افزایی حسابرسی داخلی وجود دارد.

۳- فرضیه های پژوهش

زمانیکه چارچوب کوزو اعلام گردید، انجمن حسابرسان داخلی نیز بیانیه ای درباب نقش حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک منتشر نمود (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۴a). انجمن حسابرسان داخلی، همانطور که پیشتر اشاره شد، مشارکت فعال حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه را مورد تأیید و پشتیبانی قرار داده است. انجمن حسابرسان داخلی ضمن تأکید بر هر دو نقش مشاوره ای و اطمینان دهی حسابرسی داخلی، بسیار هوشیارانه متوجه تهدیدات بالقوه ای است که برای استقلال و بی طرفی حسابرسان داخلی وجود دارد. انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۰۴b) برای نقش حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه سه گروه بندی را معرفی نمود:

نگاره شماره ۱. نقش های حسابرسی داخلی در مدیریت

ریسک بنگاه

<ul style="list-style-type: none"> - اطمینان دهی راجع به فرآیندهای مدیریت ریسک - اطمینان دهی راجع به اینکه ریسک ها به درستی ارزیابی شده اند. - ارزیابی فرآیند های مدیریت ریسک - ارزیابی گزارشگری ریسک ها - مرور مدیریت ریسک های کلیدی 	<p>نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تسهیل شناسایی و ارزیابی ریسک ها - هدایت مدیریت در واکنش به ریسک ها - هماهنگی فعالیت های مدیریت ریسک بنگاه - مشورت دهی برای گزارشگری ریسک ها - حفظ و توسعه چارچوب مدیریت ریسک بنگاه - پشتیبانی از استقرار مدیریت ریسک بنگاه - ایجاد استراتژی مدیریت ریسک برای تصویب و تأیید هیئت مدیره 	<p>نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تنظیم ریسک قابل پذیرش - اعمال فرآیندهای مدیریت ریسک - مدیریت تضمین ریسک ها - اتخاذ تصمیم در قبال واکنش به ریسک ها - پیاده سازی واکنش به ریسک ها از طرف مدیریت - حسابدگی در قبال مدیریت ریسک 	<p>نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید</p>

حسابرسی داخلی هنوز رویکرد مبتنی بر ریسک ارائه شده در بالای جدول شماره یک را به کار نگرفته است، بعید است که قادر به انجام فعالیت های مشاوره ای مندرج در گروه دوم نگاره شماره یک باشد. گروه سوم فعالیت ها نیز به آن جهت ممنوع شده اند که برای کسب اطمینان از حفظ استقلال و بی طرفی حسابرسی داخلی، ضروری می باشند.

با توجه به مطالب پیش گفته در ادبیات پژوهش و وضعیت حسابرسی داخلی در ایران، شاید انتظار وجود مدیریت ریسک بنگاه یکپارچه مدنظر کوزو در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کمی غیرواقع بینانه باشد و بنابراین نمی توان انتظار داشت که حسابرسان داخلی نیز مشارکتی فعال در آن داشته باشند. اما باید توجه داشت که عدم وجود چارچوب یکپارچه کوزو، به معنای عدم انجام هرگونه فعالیت مدیریت ریسک و مقابله با آن نمی باشد و به این ترتیب، می توان انتظاری معقول راجع به مشارکت حسابرسان داخلی ایرانی در برخی زمینه های مربوط به ریسک را داشت. به این ترتیب، فرضیه نخست پژوهش، با توجه به توسعه نیافتگی این زمینه از حسابرسی داخلی ایران به این صورت بیان می گردد:

فرضیه نخست: حسابرسان داخلی، نقش های خود در مدیریت ریسک بنگاه را مطابق با بیانیه انجمن حسابرسان داخلی، انجام نمی دهند.

همچنین در ادامه پژوهش به منظور کسب شناخت از میزان آگاهی حسابرسان داخلی از وظایف خود در قبال مدیریت ریسک بنگاه اعمال نمایند و فعالیت هایی که نباید انجام دهند، پرسش هایی درباره تلقی آنها درباره موارد مذکور در جدول شماره یک مطرح گردید و بنابراین فرضیه زیر نیز مورد بررسی قرار گرفت:

فرضیه دوم: حسابرسان داخلی، از فعالیت های توصیه شده توسط انجمن حسابرسان داخلی در قبال مدیریت ریسک بنگاه، درک صحیحی دارند.

۴- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است و به منظور

تخصص حسابرسی داخلی در درنظر گرفتن ریسک ها، در درک ارتباط بین ریسک ها و راهبری و در تسهیل به این معناست که واجد شرایط فعالیت به عنوان پشتیبان و حتی مدیر پروژه در مدیریت ریسک بنگاه می باشد، به ویژه در نخستین مراحل معرفی آن. هرچه بلوغ مدیریت ریسک سازمان افزایش یابد و مدیریت ریسک به میزان بیشتری در عملیات واحد تجاری تعبیه شود، ممکن است نقش حسابرسی داخلی در پشتیبانی از مدیریت ریسک بنگاه کاهش یابد. به طور مشابه، اگر سازمانی از خدمات یک متخصص مدیریت ریسک بهره برد، به احتمال فراوان حسابرسی داخلی از طریق تمرکز بر نقش اطمینان دهی خود به جای فعالیت های مشاوره ای بیشتر، خلق ارزش می نماید. به هر حال، اگر

۱۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۸ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی پایین از کارشناسی بوده اند. به طور کلی نتایج نشان می دهد که ۶۲ درصد از پاسخ دهندگان بیش از ۱۰ سال مشغول به کار حسابداری داخلی بوده اند و نوع فعالیت تمام نمونه های مورد بررسی تولیدی می باشد. آمار توصیفی داده های گردآوری شده از پاسخ دهندگان در نگاره های شماره دو و سه ارائه شده است. در نگاره شماره دو، آمار توصیفی داده های گردآوری شده راجع به مسئولیت های واقعی حسابرسان داخلی در قبال مدیریت ریسک بنگاه و در نگاره شماره سه داده های گردآوری شده راجع به مسئولیت های ایده آل حسابداری داخلی، از دیدگاه خود حسابرسان داخلی، ارائه شده است. همانطور که از نگاره های دو و سه واضح است، مسئولیت های واقعی و ایده آل حسابرسان داخلی در سطح بسیار پایینی قرار دارد.

پایایی پرسشنامه

پایایی ابزار اندازه گیری یعنی اینکه ابزار اندازه گیری انتخاب شده، در صورت تکرار اندازه گیری متغیرها در شرایط یکسان، تا چه حد نتایج مشابهی را ارائه می کند (خاکی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر، از معیار آلفای کرونباخ برای آزمون ثبات نتایج اندازه گیری استفاده شد. مقدار آلفا برای پرسش های مسئولیت واقعی ۰/۹ و برای پرسش های مسئولیت ایده آل ۰/۸۶۷ به دست آمد که نشان دهنده میزان پایایی بسیار مطلوب پرسشنامه است.

روایی پرسشنامه

از دیگر موضوعات اصلی در مورد اندازه گیری، اعتبار آن است. اعتبار یا روایی یعنی اینکه ابزار اندازه گیری تا چه حد مناسب انتخاب شده است و می تواند متغیر مورد نظر را اندازه گیری کند (خاکی، ۱۳۸۷). همانطور که پیشتر گفته شد در این پژوهش از پرسشنامه زوان و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شد و ضمناً پرسشنامه اولیه بین تعدادی از اساتید و حسابرسان با سابقه توزیع شد و از این افراد خواسته شد تا ابزار اندازه گیری را بررسی و هرگونه تغییر ضروری را پیشنهاد نمایند که در نهایت این پرسشنامه به تأیید این افراد رسید.

گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. پس از انجام بررسی ها و تحقیقات متعدد، از پرسشنامه معتبر زوان و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است که برگرفته از بیانیه انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۰۴a) بوده و در انطباق با چارچوب مدیریت ریسک بنگاه کوزو (۲۰۰۴) نیز می باشد. لازم به ذکر است، به منظور این که از برداشت ها و تفاسیر اشتباه جلوگیری شود و پردازش پاسخ ها تسهیل گردد، از پرسش های چندگزینه ای استفاده شده است. پرسشنامه شامل سه بخش می باشد، در بخش نخست سوالات عمومی مطرح شده و در بخش دوم، هیجده پرسش راجع به فعالیت های گوناگون (ارائه شده در جدول یک) مطرح شد و از حسابرسان داخلی خواسته شد به میزان مسئولیت خود در اجرای آن فعالیت از یک تا پنج نمره دهند (گزینه یک= فاقد مسئولیت، گزینه دو= مسئولیت محدود، گزینه سه= مسئولیت متوسط، گزینه چهار= مسئولیتی قابل توجه و گزینه پنج = مسئولیت کامل). در واقع بگویند که تا چه میزان در انجام فعالیت مورد پرسش مشارکت دارند. در قسمت سوم پژوهش نیز همان موارد مطرح در بخش دوم بار دیگر ارائه شدند، اما در این قسمت از پاسخ دهندگان خواسته شد که نظر خود را راجع به مسئولیت ایده آل خود در قبال اقلام مورد سؤال، بیان کنند. پاسخ های این قسمت نیز به صورت پنج گزینه ای می باشند. در قسمت یافته های پژوهش، پرسش های مطرح در پرسش نامه و درصد پاسخ های دریافتی ارائه شده است.

جامعه آماری این پژوهش از روسای حسابداری داخلی تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که دارای واحد حسابداری داخلی هستند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی تعداد ۱۰۵ شرکت بورسی به عنوان نمونه برگزیده شدند که در نهایت تعداد ۴۳ پرسشنامه تکمیل و بررسی شد. یافته های حاصل با استفاده از نرم افزارهای Excel و SPSS پردازش شد.

۵- یافته های پژوهش

تمامی پاسخ دهندگان پرسشنامه ها، مرد بوده که ممکن است بر نتایج پژوهش تاثیرگذار باشد و محدودیت ایجاد کند. که ۷۶ درصد آنان دارای مدرک کارشناسی،

نگاره شماره ۲. آمار توصیفی مسئولیت‌های واقعی حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه

کمینه	بیشینه	انحراف معیار	میانه	میانگین	
۱	۴	۰/۶۸	۱	۱/۳۷	اطمینان دهی راجع به فرآیندهای مدیریت ریسک
۱	۴	۰/۶۶	۱	۱/۳	اطمینان دهی راجع به اینکه ریسک‌ها به درستی ارزیابی شده‌اند
۱	۳	۰/۵۵	۱	۱/۳۲	ارزیابی فرآیندهای مدیریت ریسک
۱	۲	۰/۳۴	۱	۱/۱۳	ارزیابی گزارشگری ریسک‌ها
۱	۵	۱/۱	۱	۱/۷۴	مرور مدیریت ریسک‌های کلیدی
۱	۵	۱/۱۷	۲	۲/۳۴	تسهیل شناسایی و ارزیابی ریسک‌ها
۱	۴	۰/۷۴	۱	۱/۶۲	هدایت مدیریت در واکنش به ریسک‌ها
۱	۲	۰/۳۶	۱	۱/۱۶	هماهنگی فعالیت‌های مدیریت ریسک بنگاه
۱	۴	۰/۹۸	۱	۱/۶۵	مشورت دهی برای گزارشگری ریسک‌ها
۱	۴	۰/۶۷	۱	۱/۳۴	حفظ و توسعه چارچوب مدیریت ریسک بنگاه
۱	۴	۰/۸۱	۱	۱/۴۸	پشتیبانی از استقرار مدیریت ریسک بنگاه
۱	۲	۰/۳۲	۱	۱/۱۱	ایجاد استراتژی مدیریت ریسک برای تصویب و تأیید هیئت مدیره
۱	۲	۰/۲۹	۱	۱/۰۹	تنظیم ریسک قابل پذیرش
۱	۴	۰/۸۴	۱	۱/۵۱	اعمال فرآیندهای مدیریت ریسک
۱	۲	۰/۴	۱	۱/۲	مدیریت تضمین ریسک‌ها
۱	۲	۰/۲۹	۱	۱/۰۹	اتخاذ تصمیم در قبال واکنش به ریسک‌ها
۱	۴	۰/۹۸	۲	۲/۰۴	پیاده‌سازی واکنش به ریسک‌ها از طرف مدیریت
۱	۴	۰/۶	۱	۱/۲۳	حسابدهی در قبال مدیریت ریسک

نگاره شماره ۳. آمار توصیفی مسئولیت‌های ایده‌آل حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه

کمینه	بیشینه	انحراف معیار	میانه	میانگین	
۱	۴	۰/۷۲	۱	۱/۴۴	اطمینان دهی راجع به فرآیندهای مدیریت ریسک
۱	۵	۱/۰۴	۲	۱/۷۹	اطمینان دهی راجع به اینکه ریسک‌ها به درستی ارزیابی شده‌اند
۱	۵	۰/۹۹	۱	۱/۶	ارزیابی فرآیندهای مدیریت ریسک
۱	۲	۰/۲۹	۱	۱/۰۹	ارزیابی گزارشگری ریسک‌ها
۱	۵	۰/۹۳	۲	۱/۹	مرور مدیریت ریسک‌های کلیدی
۱	۵	۱/۱۴	۲	۲/۲۷	تسهیل شناسایی و ارزیابی ریسک‌ها
۱	۵	۱/۰۹	۲	۱/۸۶	هدایت مدیریت در واکنش به ریسک‌ها
۱	۴	۰/۷۸	۲	۱/۷۲	هماهنگی فعالیت‌های مدیریت ریسک بنگاه
۱	۴	۰/۶۸	۲	۱/۳۷	مشورت دهی برای گزارشگری ریسک‌ها
۱	۵	۱/۱۲	۱	۲	حفظ و توسعه چارچوب مدیریت ریسک بنگاه
۱	۵	۱/۳۸	۲	۲/۴۶	پشتیبانی از استقرار مدیریت ریسک بنگاه
۱	۵	۰/۶۵	۲	۱/۴۶	ایجاد استراتژی مدیریت ریسک برای تصویب و تأیید هیئت مدیره
۱	۴	۰/۶۲	۱	۱/۲۷	تنظیم ریسک قابل پذیرش
۱	۴	۱/۰۶	۲	۲/۱۸	اعمال فرآیندهای مدیریت ریسک
۱	۳	۰/۶۴	۱	۱/۳۷	مدیریت تضمین ریسک‌ها
۱	۴	۰/۸۴	۲	۱/۸۱	اتخاذ تصمیم در قبال واکنش به ریسک‌ها
۱	۵	۱/۲۷	۲/۵	۲/۶۵	پیاده‌سازی واکنش به ریسک‌ها از طرف مدیریت
۱	۳	۰/۵۸	۱	۱/۴۱	حسابدهی در قبال مدیریت ریسک

نتایج آزمون فرضیه اول

به منظور آزمون نخستین فرضیه پژوهش، می بایست میزان بکارگیری سه گروه نقشی که انجمن حسابرسان داخلی (۲۰۰۴a) برای حسابرسان داخلی در قبال مدیریت ریسک بنگاه تعیین نموده است، مقایسه و تحلیل شوند. به طور کلی، میانگین مسئولیت واقعی حسابرسان داخلی برای نقش های گروه نخست، دوم و سوم به ترتیب ۱/۳۷، ۱/۵۳ و ۱/۳۶ بوده است که نسبت واقعاً پایینی است. برای مقایسه این سه گروه و تحلیل اینکه آیا مسئولیت های واقعی حسابرسان داخلی شرکت ها تفاوتی در این سه گروه دارد یا خیر، از آزمون فریدمن استفاده می شود. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری، معادل آنالیز واریانس با اندازه های تکراری (درون گروهی) است که از آن برای مقایسه میانگین رتبه ها در K متغیر (گروه) استفاده می کنیم. این آزمون زمانی کاربرد پیدا می کند که قصد داشته باشیم نظرات یک گروه را در چند زمینه مورد بررسی قرار دهیم و براساس نظرات افراد این گروه، اولویت هر کدام از موارد را بر اساس رتبه بندی معنادار مشخص نماییم. پاسخ های هر پاسخ دهنده را از طریق میانگین گیری، در سه گروه نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه، نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی و نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید، تقسیم بندی نمودیم و بنابراین، پاسخ های هر شرکت به سه دسته تقسیم شد. حال با استفاده از آزمون فریدمن، آزمون شد که آیا مسئولیت حسابرسان داخلی در قبال هرکدام از نقش ها، تفاوتی دارد یا خیر و اگر هم تفاوتی وجود دارد، نقش های کدام دسته کاربرد بیشتری را دارند. نتایج آزمون در نگاره شماره چهار ارائه شده است.

نگاره شماره ۴. نتایج آزمون نخستین فرض پژوهش

N	۴۳
Chi-Square	۱۱/۵۷۱
df	۲
Asymp.Sig	۰/۰۰۳

بنا بر نتایج ارائه شده در نگاره شماره چهار، میزان مسئولیت حسابرسان داخلی در قبال سه گروه از نقش

های راجع به مدیریت ریسک بنگاه، متفاوت می باشد، اما این نتیجه برای اثبات یا رد فرضیه نخست پژوهش کافی نمی باشد. یکی دیگر از نتایج آزمون فریدمن، رتبه بندی امتیازات می باشد که بنابر نتایج آن، نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی با رتبه میانگین ۲/۴۲ بالاترین امتیاز را دارند، نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه و نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید با رتبه میانگین ۱/۷۹ در رده بعدی قرار دارند. به این ترتیب، کاملاً واضح است که حسابرسان داخلی، نقش های خود در مدیریت ریسک بنگاه را مطابق با بیانیه انجمن حسابرسان داخلی، انجام نمی دهند. زیرا، علاوه بر بسیار پایین بودن میانگین مسئولیت حسابرسان داخلی در قبال نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه و نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی، نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه هم تراز با نقش هایی که حسابرسان داخلی نباید ایفا نمایند، شده است. بنابراین، فرضیه نخست پژوهش به اثبات می رسد.

نتایج آزمون فرض دوم

برای آزمون دومین فرضیه پژوهش، روشی مشابه فرض نخست به کار می رود. به این ترتیب که، مسئولیت ایده آلی که حسابرسان داخلی در قبال مدیریت ریسک بنگاه برای خود متصور بوده اند را از طریق میانگین گیری به نقش های سه گانه تعیین شده توسط انجمن حسابرسان داخلی تقسیم بندی می نماییم. میانگین مسئولیت ایده آلی که حسابرسان داخلی برای نقش های گروه نخست، دوم و سوم متصور بوده اند به ترتیب ۱/۵۶، ۱/۸۸ و ۱/۷۸ می باشد که نسبت واقعاً پایینی است، اما نسبت به مسئولیت واقعی بالاتر است. پاسخ های هر پاسخ دهنده را از طریق میانگین گیری، در سه گروه نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه، نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی و نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید، تقسیم بندی نمودیم و بنابراین، پاسخ های هر شرکت به سه دسته تقسیم شد. حال با استفاده از آزمون

لازم را نداشته و در وضعیت ایده آل، تنها تا حدودی بر دامنه مسئولیت های فعلی خود افزوده اند. به این منظور، دو وضعیت واقعی و ایده آل نیز در قسمت بعدی مقایسه می شوند.

تحلیل بیشتر روابط

در ادامه تلاش می شود که تفاوت بین مسئولیت ای واقعی حسابرسان داخلی و مسئولیت هایی که به طور ایده آل برای خود متصورند، ارزیابی گردد. به این منظور، دو دسته پاسخ های دریافتی راجع به نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه، نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی و نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید را به وسیله آزمون ویلکاکسون مقایسه و تحلیل می نماییم. این آزمون برای مقایسه وضعیت واقعی و مطلوب در داده های ترتیبی کاربرد دارد. نتایج پردازش سه گروه نقش های تعیین شده، در نگاره شماره شش ارائه شده است. لازم به ذکر است که ارقام نگاره شش، بر مبنای تفاوت ایده آل و واقعی تنظیم شده اند. به این معنا که برای مثال، رتبه مثبت نشانگر تعداد مواردی است که مقدار ایده آل بیشتر از واقعی بوده است.

نتایج تحلیل معناداری تفاوت مقادیر واقعی و ایده آل در نگاره شماره هفت ارائه شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره های شش و هفت، حسابرسان داخلی در تمامی نقش ها، مسئولیت ایده آل خود را فراتر از مسئولیت واقعی خود می دانند و در این زمینه تفاوتی بین نقش ها قائل نیستند که این موضوع، دلیلی دیگر بر عدم آشنایی آنان با وظایف مشخص شده برای حسابرسان داخلی می باشد. آماره Z به ازای رتبه های منفی است. لازم به ذکر است که مقدار حاصل از آماره ویلکاکسون به ازای استفاده از مجموع رتبه های مثبت یا منفی برابر است و تنها تفاوت این آماره ها در علامت آنهاست (مقدار آماره به ازای رتبه های منفی دارای علامت منفی است).

فریدمن، آزمون شد که آیا مسئولیت ایده آل حسابرسان داخلی در قبال هرکدام از نقش ها، تفاوتی دارد یا خیر و اگر هم تفاوتی وجود دارد، کدام نقش بالاترین رتبه را داشته است. نتایج آزمون در نگاره پنج ارائه شده است.

نگاره شماره ۵. نتایج آزمون دومین فرض پژوهش

N	۴۳
Chi-Square	۱۰/۰۹۳
df	۲
Asymp.Sig	۰/۰۰۶

بنا بر نتایج ارائه شده در نگاره شماره پنج، میزان مسئولیت ایده آل حسابرسان داخلی در قبال سه گروه از نقش های راجع به مدیریت ریسک بنگاه، متفاوت می باشد، اما این نتیجه برای اثبات یا رد فرضیه دومین پژوهش کافی نمی باشد. یکی دیگر از نتایج آزمون فریدمن، رتبه بندی امتیازات می باشد که بنا بر نتایج آن، نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی با رتبه میانگین ۲/۳۷ بالاترین امتیاز را دارند، نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید با رتبه میانگین ۱/۹۳ در رده دوم قرار دارد و نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه با رتبه میانگین ۱/۷ در رتبه آخر قرار دارند. به این ترتیب، کاملاً واضح است که حسابرسان داخلی درک صحیحی از نقش های خود در مدیریت ریسک بنگاه، مطابق با بیانیه انجمن حسابرسان داخلی، ندارند. زیرا، علاوه بر بسیار پایین بودن میانگین مسئولیت ایده آلی که برای خود در قبال نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه و نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی قائل بوده اند، نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه در رتبه آخر قرار گرفته و نقش هایی که حسابرس داخلی نباید ایفا نمایند، در رتبه ای بالاتر از آن قرار دارد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد می شود. توجه بیشتر به نتایج پژوهش شاید بتواند عمق وضعیت را روشن تر نماید. حسابرسان داخلی ضمن اینکه نقش هایی مطابق بیانیه انجمن حسابرسان داخلی ایفا نمی نمایند، حتی از نقش های مجاز خود نیز اطلاعات

نگاره شماره ۶. پردازش بیشتر نتایج

تعداد	میانگین رتبه ها	جمع رتبه ها	
۹	۱۳/۴۴	۱۲۱	رتبه های منفی
۲۵	۱۸/۹۶	۴۷۴	رتبه های مثبت
۹			برابر
۴۳			جمع
۸	۱۲/۸۸	۱۰۳	رتبه های منفی
۳۲	۲۲/۴۱	۷۱۷	رتبه های مثبت
۳			برابر
۴۳			جمع
۳	۱۱/۶۷	۳۵	رتبه های منفی
۳۴	۱۹/۶۵	۶۶۸	رتبه های مثبت
۶			برابر
۴۳			جمع

نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه
نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی
نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید

نگاره شماره ۷. پردازش بیشتر نتایج

Asymp. Sig. (2-tailed)	Z	
۰/۰۰۲	-۳/۰۶	نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه (تفاوت ایده آل و واقعی)
۰/۰۰۰	-۴/۱۴۶	نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی (تفاوت ایده آل و واقعی)
۰/۰۰۰	-۴/۷۹۲	نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید ایفا نماید (تفاوت ایده آل و واقعی)

"واقعی" بیانگر مسئولیت واقعی حسابرسان داخلی و ستون "ایده آل" بیانگر مسئولیت ایده آلی که حسابرسان داخلی برای خود متصورند، می باشد. با توجه به نگاره شماره هشت، نمایان است که مشارکت حسابرسان داخلی ایرانی در مدیریت ریسک بنگاه، بسیار کمتر از سطح جهانی در سال ۲۰۰۵ و استرالیا در سال ۲۰۱۱ می باشد که بایستی توجه لازم به این امر بشود. البته نباید از نظر دور داشت که شرکت های ایرانی نیز از لحاظ اجرای مدیریت ریسک بنگاه در شرایط مناسبی به سر نمی برند و باید تلاش های بیشتری در این راستا انجام گردد.

مقایسه نتایج پژوهش با نتایج انجمن حسابرسان داخلی و زوان و همکاران (۲۰۱۱)
به منظور روشن تر شدن وضعیت مشارکت واقعی حسابرسان داخلی ایرانی در مدیریت ریسک بنگاه و نقش ایده آلی که برای خود متصور می باشند، در این قسمت نتایج پژوهش حاضر که در سال ۹۲-۱۳۹۱ معادل با ۲۰۱۳ میلادی انجام شده است را با نتایج تحقیق جهانی انجمن حسابرسان داخلی در سال ۲۰۰۵ که در مقاله گراملینگ و مایرز (۲۰۰۶) انتشار یافت و یافته های زوان و همکاران که در سال ۲۰۱۱ میلادی در استرالیا حاصل شد، مقایسه می نمایم. لازم به ذکر است که ستون

نگاره شماره هشت. مقایسه نتایج

نتایج پژوهش		زوان و همکاران		انجمن حسابرسان داخلی	
ایده آل	واقعی	ایده آل	واقعی	ایده آل	واقعی
۱/۴۴	۱/۳۷	۴/۰۵	۳/۷۱	۳/۸	۳/۱
۱/۷۹	۱/۳	۳/۶۳	۳/۱۸	۳/۶	۳
۱/۶	۱/۳۲	۳/۹۸	۳/۴۴	۳/۸۲	۳/۱۷
۱/۰۹	۱/۱۳	۳/۷۷	۳/۰۵	۳/۷	۳/۰۹

اطمینان دهی راجع به فرآیندهای مدیریت ریسک
اطمینان دهی راجع به اینکه ریسک ها به درستی -----۴۷۵۵۷۵۴/ارزیابی شده اند
ارزیابی فرآیندهای مدیریت ریسک
ارزیابی گزارشگری ریسک ها

نتایج پژوهش	زوان و همکاران		انجمن حسابرسان داخلی			
	واقعی	ایده آل	واقعی	ایده آل	واقعی	
۱/۹	۱/۷۴	۳/۹۵	۳/۳۹	۳/۷۶	۳/۱۹	مرور مدیریت ریسک های کلیدی
۲/۲۷	۲/۳۴	۲/۹۶	۲/۸۴	۳/۵	۳/۳۸	تسهیل شناسایی و ارزیابی ریسک ها
۱/۸۶	۱/۶۲	۲/۸۱	۲/۶۶	۳/۱۱	۲/۸۴	هدایت مدیریت در واکنش به ریسک ها
۱/۷۲	۱/۱۶	۲/۱۹	۲/۳	۲/۷۵	۲/۴۷	هماهنگی فعالیت های مدیریت ریسک بنگاه
۱/۳۷	۱/۶۵	۲/۳۲	۲/۳۹	۳/۱	۲/۸۷	مشورت دهی برای گزارشگری ریسک ها
۲	۱/۳۴	۲/۱۷	۲/۳	۲/۷۳	۲/۴۹	حفظ و توسعه چارچوب مدیریت ریسک بنگاه
۲/۴۶	۱/۴۸	۲/۹۶	۲/۹۴	۳/۲۷	۲/۸۸	پشتیبانی از استقرار مدیریت ریسک بنگاه
۱/۴۶	۱/۱۱	-	-	-	-	ایجاد استراتژی مدیریت ریسک برای تصویب و تأیید هیئت مدیره
۱/۲۷	۱/۰۹	۱/۶۳	۱/۶۲	۱/۸۹	۱/۸۱	تنظیم ریسک قابل پذیرش
۲/۱۸	۱/۵۱	۱/۸۳	۱/۹۷	۲/۳	۲/۱۹	اعمال فرآیندهای مدیریت ریسک
۱/۳۷	۱/۲	۳/۱۷	۳/۰۴	۲/۶۴	۲/۴۱	مدیریت تضمین ریسک ها
۱/۸۱	۱/۰۹	۱/۸۶	۱/۸۹	۲/۱۴	۲/۰۷	اتخاذ تصمیم در قبال واکنش به ریسک ها
۲/۶۵	۲/۰۴	۱/۳	۱/۳۹	۱/۹	۱/۸۸	پیاده سازی واکنش به ریسک ها از طرف مدیریت
۱/۴۱	۱/۲۳	۱/۶۸	۱/۸۱	۲/۲۶	۲/۱۷	حسابدهی در قبال مدیریت ریسک

۶- نتیجه گیری و بحث

در سال ۱۹۹۹، انجمن حسابرسان داخلی تعریفی از حسابرسی داخلی ارائه نمود که شامل اطمینان دهی و مشاوره در سه زمینه مدیریت ریسک، کنترل و راهبری بود. پنج سال بعد، کوزو چارچوبی یکپارچه برای مدیریت ریسک بنگاه ارائه کرد. از آن پس، حرکتی جهانی به سوی رویکردهای گسترده مدیریت ریسک ایجاد شد و حسابرسان داخلی با توجه به مدیریت ریسک در سازمان خود، نقشی کلیدی در ارائه خدمات اطمینان دهی و مشاوره ایفا می کنند.

کوزو (۲۰۰۴) مدیریت ریسک بنگاه را اینگونه تعریف نموده است:

"فرآیندی است تحت تأثیر هیئت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان بنگاه که در تنظیم استراتژی، شناسایی رویدادهای بالقوه ای که ممکن است بر بنگاه تأثیر گذارد و مدیریت ریسک ها برای تنظیم آنها در سطح ریسک قابل پذیرش استفاده می شود، به کار می رود تا راجع به دستیابی به اهداف بنگاه، اطمینانی معقول فراهم گردد".

مدیریت ریسک بنگاه، به آن شکلی که باید، در ایران گسترش نیافته است و متعاقباً می توان انتظار داشت که حسابرسان داخلی که مشغول به کار هستند، وظایف خود را بی نقص انجام ندهند. به همین ترتیب، هدف اصلی این پژوهش، ضمن بیان نقش مهم حسابرسان داخلی در

فرآیند مدیریت ریسک بنگاه، ارزیابی میزان درگیری حسابرسان داخلی ایرانی در مدیریت ریسک بنگاه و علی الخصوص، بررسی میزان آگاهی آنان از وظایفی که برعهده دارند، بوده است. همچنین دیگر هدف این پژوهش، افزایش توجه عمومی به موضوع مشارکت حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه و افزایش پژوهش های علمی داخلی، در این زمینه می باشد.

با توجه به نتایج پژوهش، مشخص شد که حسابرسان داخلی، نقش های خود در مدیریت ریسک بنگاه را مطابق با بیانیه انجمن حسابرسان داخلی، انجام نمی دهند. زیرا، علاوه بر بسیار پایین بودن میانگین مسئولیت واقعی حسابرسان داخلی در قبال نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه و نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی، نقش هایی که حسابرس داخلی نباید ایفا نمایند، گستردگی زیادی داشته است. علاوه بر این،

حسابرسان داخلی درک صحیحی از نقش های خود در مدیریت ریسک بنگاه، مطابق با بیانیه انجمن حسابرسان داخلی نیز نداشته اند. زیرا، علاوه بر بسیار پایین بودن میانگین مسئولیت ایده آلی که برای خود در قبال نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه و نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی قائل بوده اند، در قبال نقش هایی که

پیشنهاد کاربردی

با توجه به پایین بودن مشارکت حسابرسان داخلی در فرآیند مدیریت ریسک بنگاه، علاوه بر اینکه مشارکت بیشتر حسابرسان داخلی در فرآیندهای مجاز و اجتناب از مشارکت در فرآیندهای غیرمجاز توصیه می‌گردد، از حسابرسان داخلی شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تقاضا می‌شود که با چارچوب‌ها و بایدها و نبایدهای فعالیت‌های خود آشنایی بیشتری پیدا کرده و دانش خود را در زمینه فعالیت‌های خود به روز نمایند. همچنین، یکی دیگر از علل عدم مشارکت و یا مشارکت بسیار پایین حسابرسان داخلی، می‌تواند عدم وجود فرآیندی یکپارچه و دقیق برای مدیریت ریسک بنگاه باشد، همانطور که بسیاری از پرسش‌شوندگان پژوهش، به آن اذعان داشته‌اند. بنابراین، به خود شرکت‌ها نیز پیشنهاد می‌گردد که به این موضوع توجهی جدی‌تر نمایند و با توجه به اوضاع جاری کشور، برای پیاده‌سازی این فرآیند اقداماتی را اجرا نمایند. در همین راستا با توجه به سنتی بودن ارزیابی ریسک در شرکت‌های ایرانی، بر اساس پیشنهاد موسسه پروتویوتی (۲۰۰۶) پروسه‌ای برای گذار این شرکت‌ها، پیشنهاد می‌گردد. باید توجه داشت که این حرکت رو به جلو از مدل سنتی به مدیریت ریسک بنگاه آسان نخواهد بود. هرچند پیاده‌سازی و اجرای همان مدل سنتی نیز مزایایی دارد که ممکن بسیاری از شرکت‌ها از آن بهره‌مند باشند.^{۴۴}

حسابرسان داخلی نباید ایفا نمایند نسبت به نقش‌های هسته‌ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه مسئولیت بیشتری را برای خود در نظر گرفته‌اند. در مجموع، حسابرسان داخلی ضمن اینکه نقش‌هایی مطابق بیانیه انجمن حسابرسان داخلی ایفا نمی‌نمایند، حتی از نقش‌های مجاز خود نیز اطلاعات لازم را نداشته‌اند. از دیگر نتایج این پژوهش این بوده است که بین مسئولیت‌های واقعی حسابرسان در قبال مدیریت ریسک بنگاه و مسئولیت‌های ایده‌آلی برای خود متصورند، تفاوت معناداری وجود داشته است. همچنین حسابرسان داخلی در همه نقش‌ها، مسئولیت ایده‌آل خود را فراتر از مسئولیت واقعی خود می‌دانسته‌اند و در این زمینه تفاوتی بین نقش‌ها قائل نیستند که این موضوع، دلیلی دیگر بر عدم آشنایی آنان با وظایف مشخص شده برای حسابرسان داخلی می‌باشد.

در انتها نیز نمایان شد که مشارکت حسابرسان داخلی ایرانی در مدیریت ریسک بنگاه، بسیار کمتر از سطح جهانی در سال ۲۰۰۵ و استرالیا در سال ۲۰۱۱ می‌باشد که بایستی توجه لازم به این امر اعمال شود. البته نباید از نظر دور داشت که شرکت‌های ایرانی نیز از لحاظ اجرای مدیریت ریسک بنگاه در شرایط مناسبی به سر نمی‌برند و باید تلاش‌های بیشتری در این راستا انجام گیرد. به همین منظور در ادامه پیشنهادهای پژوهش نیز راهکاری برای گسترش پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه ارائه شده است.

نگاره شماره ۹. فرآیند گذار از مدیریت ریسک به مدیریت ریسک بنگاه

مدیریت ریسک بنگاه	مدیریت ریسک تجاری ←	مدیریت ریسک ←	کانون توجه
کنترل‌های داخلی و ریسک تجاری، به کارگیری دیدگاهی کلی در سطح کل واحد اقتصادی به ریسک	کنترل‌های داخلی و ریسک تجاری، به کارگیری رویکردی برای هر ریسک	کنترل‌های داخلی و ریسکهای مالی و رخدادهای	
حفاظت و افزایش ارزش بنگاه	حفاظت از ارزش بنگاه	حفاظت از ارزش بنگاه	هدف
در سراسر بنگاه، در همه سطوح و واحدها به کار گرفته می‌شود	پاسخ‌گویی مدیران تجاری	مسئولیت عمده برای خزانه داری، بیمه و عملیات	دامنه
تنظیم استراتژی	مدیریت	امور مالی و عملیات	تأکید
در سراسر بنگاه، برای تمامی منابع ارزش	نواحی، واحدها و رویه‌های پر ریسک منتخب	نواحی، واحدها و رویه‌های پر ریسک منتخب	کاربرد

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه نتایج پژوهش، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که به طوری دقیق‌تر وضعیت پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه را در ایران مورد بررسی قرار دهند و ضمناً با استفاده از فرآیند گذار ارائه شده در مقاله، وضعیت کنونی شرکت‌های ایرانی را بهتر ارزیابی کنند. همچنین نقش‌ها و مسئولیت‌های حسابرسان داخلی مراکز دولتی و همچنین بانک‌ها و موسسات مالی نیز به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- * منافی، نقی، (۱۳۸۰)، بررسی نقش و جایگاه حسابرسی داخلی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر ایرج نوروش، دانشگاه تهران.
- * نیکخواه آزاد علی، حمیدرضا قناد، (۱۳۷۷)، عوامل عدم توسعه و روشهای ارتقای حسابرسی داخلی در ایران، مجله بررسیهای حسابداری و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۳۵-۵۹.
- * Alzuela J.M.B., (2003), Risk management in financial institutions, Partida Doble (Spanish), December, pp. 62-5.
- * American Institute of Certified Public Accountants (AICPA), (1991), The Auditor's Consideration of the Internal Audit Function in an Audit of Financial Statements, Statement on Auditing Standards No. 65. New York, NY: AICPA.
- * Banham R., (2004), Enterprising views of risk management, Journal of Accountancy, Vol. 197 No. 6, pp. 65-71.
- * Beasley M., Pagach D., Warr R., (2008), The information conveyed in hiring announcements of senior executives overseeing enterprise-wide risk management processes, Journal of Accounting, Auditing and Finance, Vol. 23, No. 3, pp. 311-332.
- * Beasley M.S., Clune R., Hermanson D.R., (2005), Enterprise risk management: an empirical analysis of factors associated with the extent of implementation, Journal of Accounting & Public Policy, Vol. 24, pp. 521-31.
- * Bou-Raad G., (2000), Internal auditors and a value-added approach: the new business regime, Managerial Auditing Journal, Vol. 15 No. 4, pp. 182-7.
- * Brink V.Z./Brink V.Z., Cashin J.A., (1958), Internal Auditing, New York: Ronald Press.
- * Busman E.R., Zuiden P.V., (1998), The challenge ahead: adopting an enterprise-wide approach to risk, Risk Management, January, pp. 14-17.
- * Castanheira N., Rodrigues L.L., Craig R., (2009), Factors associated with the adoption of risk-based internal auditing, Managerial Auditing Journal, Vol. 25, pp. 79-98.
- * Clark M.E., Gibbs T.E., Schroeder R.G., (1980), Evaluating internal audit departments under SAS No. 9: Criteria for judging competence, objectivity, and performance, The Woman CPA, Vol. 22 (July), pp. 8-11.
- * COSO, (2004), Internal Control – Integrated Framework, Executive Summary, Committee
- * پورحیدری امید، امید رضایی، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر ارزش افزوده حسابرسی داخلی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۱-۲۳.
- * حساس یگانه یحیی، حسین علوی طبری، (۱۳۸۲)، رابطه بین منابع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۴، صص ۷۱-۹۶.
- * خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات بازتاب.
- * رحیمیان نظام‌الدین، اسماعیل توکل‌نیا، (۱۳۹۱)، نقش حسابرسی داخلی در کیفیت سیستم کنترل داخلی، مجله حسابرس، شماره ۵۹، صص ۱۰۴-۱۱۳.
- * کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی، (۱۳۸۹)، استانداردهای حسابرسی. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
- * مدرس احمد، محمد علی بیداری، (۱۳۹۰)، بررسی نقش ارزش افزوده حسابرسی داخلی، مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۶۵-۷۱.
- * مصطفی جهانبانی، محمد علی باقرپور ولاشانی، (۱۳۸۹)، حسابرسی داخلی، ابزاری مدرن در خدمت مدیریت ریسک، فصلنامه حسابدار رسمی، شماره ۲۱، صص ۳۳-۴۰.

- * Moeller, R./Moeller R., Witt H.N., (1999), Brink's Modern Internal Auditing New York: John Wiley & Sons, Inc.
- * Nagy A.L., Cenker W.J., (2002), An assessment of the newly defined internal audit function, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 17 No. 3, pp. 130-7.
- * Nocco B.W., Stulz M., (2006), Enterprise risk management: theory and practice, *Journal of Applied Corporate Finance*, Vol. 18, No. 4, pp. 1-13.
- * Pagach D., Warr R., (2011), The characteristics of firms that hire chief risk officers, *The Journal of Risk and Insurance*, Vol. 78, No. 1, pp. 185- 211.
- * Protiviti (Independent Risk Consulting), (2006), Guide to Enterprise Risk Management, Frequently Asked Questions, available at: <http://www.ucop.edu>
- * Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB), (2007a), An Audit of Internal Control Over Financial Reporting That Is Integrated with An Audit of Financial Statements, Auditing Standard No. 5. Washington, D.C. Available at: <http://www.pcaobus.org>
- * Quon T.K., Zeghal D., Maingot M., (2012), Enterprise risk management and firm performance, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 62, pp. 263 – 267.
- * Roy A.K., (2008), Risk Based Internal Audit-Need for Such Approach in Banking Sector for Implementation of Basel II Accord: Bangladesh Perspective, *The Bangladesh Accountant*, July-September.
- * Sarens G., De Beelde I., (2006), Internal auditors' perception about their role in risk management: a comparison between US and Belgian companies, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 21 No. 1, pp. 63-8.
- * Sobel P.J., Reding K.F., (2004), Aligning corporate governance with enterprise risk management, *Management Accounting Quarterly*, Vol. 5, No. 2, pp. 1-9.
- * Staciokas R., Rupsys R., (2005), Application of Internal Audit in Enterprise Risk Management, *Engineering Economics*, No. 2 (45), pp. 20-25.
- * Verschoor C.C., (2002), Audit committees focus on risk management, *Internal Auditing*, July/August, pp. 27-32.
- * Walker P.L., Shenkir W.G., Barton T.L., (2003), ERM in practice, *The Internal Auditor*, Vol. 60 No. 4, pp. 51-5.
- * Zwaan D.L., Stewart J., Subramaniam N., (2011), Internal audit involvement in enterprise risk management, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 26 Iss: 7 pp. 586 – 604.
- of Sponsoring Organisations, available at: www.coso.org
- * Fuente L., Vega G., (2003), Risk management in non-financial companies, *Partida Doble* (Spanish), December, pp. 54-60.
- * Funston R., (2003), Creating a risk-intelligent organization, *The Internal Auditor*, Vol. 60 No. 2, pp. 59-63.
- * Gramling A., Myers P., (2006), Internal auditing's role in ERM, *The Internal Auditor*, Vol. 62 No. 2, pp. 52-8.
- * Hirth R.B., (2008), Better Internal Audit Leads to Better Controls, *Journal of Financial Executive*, Vol. 24, No. 9, pp. 49-54.
- * Hoyt R.E., Liebenberg A.P., (2011), The value of enterprise risk management, *The Journal of Risk and Insurance*, Vol. 78, No. 4, pp. 795-822.
- * IIA, (2000), The Standards for the Professional Practice of Internal Auditing, The Institute of Internal Auditors Research Foundation, Altamonte Spring, FL.
- * IIA, (2001), Practice Advisory 2100-4: Internal Auditing's Role in Organization without a Risk Management Process, Institute of Internal Auditors, Altamonte Springs, FL, available at: www.iaa.org.au
- * IIA, (2004a), COSO releases new ERM framework, available at: www.theiia.org
- * IIA, (2004b), The role of internal auditing in enterprise risk management, available at: www.iaa.org.au
- * IIA, (2009), International Professional Practices Framework (IPPF), The Institute of Internal Auditors Research Foundation, Altamonte Springs, FL, January, available at: www.iaa.org.au
- * Kinney W.R., (2003), Auditing risk assessment and risk management process, The research opportunities in internal audit, Chapter No 5. Altamonte Springs, FL: The Institute of Internal Auditors.
- * Lajili K., Zeghal D., (2005), A content analysis of risk management disclosures in Canadian annual reports, *Canadian Journal of Administrative Sciences*, Vol. 22, No. 2, pp. 125-142.
- * Manab N.A., Kassim I., Hussin M.R., (2010), Enterprise-wide risk management (EWRM) practices: between corporate governance compliance and value creation, *International Review of Business Research Papers*, Vol. 6, No. 2, pp. 239-252.
- * Merkley B.W., Miccolis J.A., (2002), Getting left behind, *Risk Management*, April, pp. 28-50.

- ¹ Brink & Cashin
- ² Moeller & Witt
- ³ Staciokas and Rupsys
- ⁴ Institute of Internal Auditors (IIA)
- ⁵ Clark
- ⁶ Hirth
- ⁷ American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)
- ⁸ Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)
- ⁹ Committee of Sponsoring Organizations (COSO)
- ¹⁰ Sarens and De Beelde
- ¹¹ Roy
- ¹² Kinney
- ¹³ chief risk officer (CRO)
- ¹⁴ Nocco and Stulz
- ¹⁵ Lajili and Zeghal
- ¹⁶ Beasley
- ¹⁷ Pagach and Warr
- ¹⁸ Hoyt and Liebenberg
- ¹⁹ Quon
- ²⁰ Sobel and Reding
- ²¹ Manab
- ²² Busman and Zuiden
- ²³ Funston
- ²⁴ Castanheira
- ²⁵ Verschoor
- ²⁶ Banham
- ²⁷ Beasley
- ²⁸ Fuente
- ²⁹ Alzuela
- ³⁰ Southcorp
- ³¹ Qantas
- ³² Bou-Raad
- ³³ Merkley and Miccolis
- ³⁴ FirstEnergy
- ³⁵ General Motors
- ³⁶ WalMart
- ³⁷ Unocal
- ³⁸ Canada Post
- ³⁹ Walker
- ⁴⁰ Nagy and Cenker
- ⁴¹ Gramling and Myers
- ⁴² Protiviti Inc.
- ⁴³ Zwaan

۴۴. به دلیل محدودیت در حجم مقاله نمی‌توان تمامی ریز توضیحات را ارائه نمود، توضیحات بیشتر در این آدرس به راحتی قابل دسترسی است (صفحه ده):

http://www.ucop.edu/enterprise-risk-management/_files/protiviti_faiguide.pdf